

اخبار تحت تأثیر  
نظام رسانه‌ای  
و نظام سیاسی،  
فرهنگ سیاسی  
و این که یک  
موضوع متعلق  
به حوزه وفاق،  
ناپهنجاری یا  
مجادله مشروعیت  
در یک کشور  
است، قرار دارد.



چارچوب بندی موضوع کاریکاتورهای پیامبر اسلام [ص]

مقایسه میان فرهنگی مطبوعات سوئد و آمریکا

# پیامبر

سوژه کاریکاتورهای سیاسی

جاسپر اشترومبک ■ دانشگاه میدسوئد

JasperStromback ■

آدام شهتا ■ دانشگاه میدسوئد

AdamShehata ■

عبدالله بیچراللو ■

محققان رسانه، نشان داده‌اند که اخبار هرگز نمی‌تواند آینه واقعیت باشد، بلکه باید اخبار را نتیجه انتخاب‌های کمابیش آگاهانه دانست که در تعیین آنها عواملی همچون ارزشها و هنجارهای ژورنالیستی و اصول رایج گردآوری خبر، ملاحظیات مالی، فناوری و نیاز و فشار منابع خبری نقش دارند. در سطحی انتزاعی‌تر، اخبار تحت تأثیر نظام رسانه‌ای و نظام سیاسی، فرهنگ سیاسی و این که یک موضوع متعلق به حوزه وفاق، ناپهنجاری یا مجادله مشروعیت در یک کشور است، قرار دارد.

براساس این عوامل، انتخاب خبر و چارچوب خبری یک رویداد در کشورهای مختلف، متفاوت خواهد بود. با این حال، نظریه منسجمی در خصوص تأثیر عوامل مربوط به نظام‌های سیاسی، سیستم‌های رسانه‌ای و فرهنگ‌های سیاسی مختلف بر گزینش اخبار و چارچوب بندی خبری وجود ندارد. اغلب مطالعات صورت گرفته در این زمینه، هنوز این موضوع را صرفاً در یک کشور بررسی می‌کنند و اغلب، عوامل مربوط به سطح تحلیل کلان (مانند نظام سیاسی و نظام رسانه‌ای) یا سطح میانی تحلیل (مثل نهادهای سیاسی و نهادهای رسانه‌ای) را نادیده می‌گیرند.

هدف این مطالعه اکتشافی، بررسی نحوه چارچوب بندی

هدف این مقاله، بررسی نحوه چارچوب سازی روزنامه‌های نخبگان سوئد و آمریکا در خصوص انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام در یک روزنامه دانمارکی در سپتامبر ۲۰۰۵ و حوادث متعاقب انتشار این کاریکاتورها است. این کاریکاتورها باعث جنجال بسیاری شدند و از زمان انتشار اولیه، چندین بار چاپ شده و همچنان بحث برانگیزند. به منظور بررسی چارچوب‌های مختلفی که در پوشش اخبار مربوط به این موضوع در روزنامه‌های مختلف شکل گرفت، این تحقیق همه مقالات خبری چاپ شده در طول شش ماه از اولین انتشار کاریکاتورها را بررسی کرده است. این تحقیق، از روش تحلیل محتوای کمی و کیفی استفاده می‌کند. مبنای نظری تحقیق، نظریه چارچوب بندی و عوامل تعیین کننده اخبار بین‌المللی هستند. نتایج تحقیق، حاکی از تفاوت‌ها و شباهت‌های جالبی است.

روزنامه‌های نخبگان آمریکا و سوئد در خصوص موضوعی است که در پاییز ۲۰۰۵ و بهار ۲۰۰۶ بحث‌های داغی را در جهان برانگیخت: انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام در یک روزنامه دانمارکی و حوادث متعاقب این رویداد. این تحقیق به منظور بررسی چارچوب‌های مختلفی که در پوشش اخبار مربوط به این موضوع بکار گرفته شد، همه مقالات منتشر شده در روزنامه‌های منتخب را در طول شش ماه پس از انتشار اولیه این کاریکاتورها تحلیل می‌کند. این تحقیق، از روش تحلیل محتوا استفاده می‌کند. تحقیق براساس نظریه چارچوب‌بندی و عوامل تعیین‌کننده اخبار بین‌المللی است.

### نظریه چارچوب‌بندی

خبر، آینه واقعیت نیست. این گزاره، اصل موضوعه اغلب مطالعات چارچوب‌بندی علی‌رغم وجود رویکردهای متفاوت محققان ارتباطات به چارچوب‌بندی است. همان گونه که ریس<sup>۱</sup> می‌گوید: چارچوب‌ها، اصول سازمان‌دهنده مشترک در جامعه هستند که در طول زمان، پدیدارند و با اثر خود به طور معنی‌داری به جهان اجتماعی ساخت می‌دهند. چارچوب‌های مختلف، باعث جلب توجه به تعریف مسأله‌های مختلف می‌شوند. به گفته انتمن<sup>۲</sup>:

چارچوب‌بندی، به معنی انتخاب جنبه‌هایی از یک واقعیت ادراک شده و برجسته‌تر کردن این جنبه‌ها به نحوی است که از یک مسأله تعریف، تفسیر علی و ارزیابی اخلاقی خاصی ارائه و نیز راه حل متناسب با آن پیشنهاد گردد. تأکید بر این که چارچوب‌بندی، یک شیوه ساخت محیط پیرامون است، این انگاره را تقویت می‌کند که رسانه‌های مختلف، تصاویر متفاوتی از واقعیت ارائه می‌کنند. نحوه چارچوب‌بندی یک موضوع، فرایند پویای مجادلات جاری بین نقش آفرینان سیاسی و رسانه‌ای است.

مطالعات متعدد، رابطه بین مطبوعات و سیاست، روزنامه‌نگاران و سیاستمداران و آثار این رابطه را بر محتوای ژورنالیستی تحلیل کرده‌اند. هال<sup>۳</sup> و همکاران معتقدند که نقش آفرینان نخبه سیاسی، نخستین تعریف‌کنندگان موضوعات سیاسی هستند. هنگامی که روزنامه‌نگاران به اطلاعات یا نقل قول نیاز دارند، به منابع خبری رسمی و تثبیت‌یافته مراجعه می‌کنند. این رویه، به منابع رسمی امکان دسترسی به رسانه‌ها و گردش اخبار و در چارچوب قرار دادن موضوع را می‌دهد.

با این که این نظریه به دلیل منفعل دانستن روزنامه‌نگاران به عنوان منتقل‌کننده صرف دیدگاه‌های رسمی، مورد انتقاد قرار گرفته است. محققان همچنان بر این باورند که نخبگان سیاسی صاحب جایگاه، تأثیر چشمگیری بر شیوه چارچوب‌بندی موضوعات سیاسی در اخبار دارند. برای مثال، بنت<sup>۴</sup> بیان می‌کند که رسانه‌ها تمایل دارند دیدگاه‌هایی را منعکس کنند که با دیدگاه‌های طرح شده در مباحثات دولتی جریان غالب، تطابق داشته باشد. این دیدگاه، نقش فعال‌تری را برای روزنامه‌نگاران قائل می‌شود و آنها را وابسته دائم به منابعی خاص نمی‌داند. همچنین تحقیقات اخیرتر درباره الگوی

جریان اخبار نشان می‌دهد که نقش آفرینان خارجی و منابع سطح میانی، می‌توانند در مقابل چارچوب دولتی رسمی، کارکرد ضد چارچوب‌سازی داشته باشند.

در عین حال، بررسی پوشش اخبار حوادث زندان ابوغریب نشان داد که رسانه‌های برجسته آمریکا، هنگام گزارش نویسی درباره موضوع با دقت گفتمان سیاسی نخبگان را دنبال می‌کردند. در این گزارش‌ها، چارچوب تجاوز به زندانیان در مقایسه با چارچوب شکنجه زندانیان کاملاً در پوشش اخبار غالب بود. چارچوب شکنجه، علی‌رغم پشتیبانی برخی منابع سطح میانی، هرگز به سطح ضد چارچوب (چارچوب متقابل) نرسید. شاید یک دلیل این باشد که دولت بوش، که از چارچوب تجاوز حمایت مالی می‌کرد، در تزیق پول به رسانه‌ها بسیار موفق‌تر از حامیان مالی چارچوب شکنجه و گردش اخبار بود، کاری که فضا را بسیار آرام‌تر و راحت‌تر کرد چیرا که چارچوب تجاوز به زندانیان به لحاظ فرهنگی با فضای آمریکا تناسب داشت تا چارچوب شکنجه. همان گونه که انتمن می‌گوید: هنگامی که کاخ سفید یک رویداد یا موضوع را با راه انداختن چارچوب رقیب، چارچوب‌بندی می‌کند. نخبگان، روزنامه‌نگاران و افکار عمومی معمولاً با آن چارچوب همراه می‌شوند.

از این دیدگاه، استقلال روزنامه‌نگاران، مبتنی بر آزادی انتخاب آنها در خصوص این که کدام نقش آفرین و در نتیجه چه چارچوب‌هایی را مربوط تلقی کنند، به نظر می‌رسد. برای درک عمیق این که چگونه چارچوب‌ها در رسانه‌ها ساخته می‌شوند، باید چارچوب‌ها مربوط و منابع اطلاعاتی مشروع باشند. در خصوص کاریکاتورهای پیامبر اسلام، چندین نقش آفرین، تلاش کردند تا مناقشه را مدیریت و تعریف کنند که این موضوع واقعاً درباره چه چیزی بود یعنی برای موضوع چارچوب‌سازی کنند.

### امواج خبری: رویکردی پویا به چارچوب‌سازی

ایده رویکرد پویا به چارچوب‌سازی از مفهوم «چرخه‌های موضوع-توجه»<sup>۵</sup> داونز<sup>۶</sup> سرچشمه می‌گیرد. نکته اصلی او این است که:

به نظر می‌رسد یک چرخه موضوع-توجه، به شدت بر نگرش‌ها و رفتار عمومی در خصوص مهم‌ترین موضوعات داخلی تأثیر می‌گذارد. هر یک از این موضوعات که یکبار به برجسته می‌شود، برای مدت کوتاهی در مرکز توجهات می‌ماند و سپس در حالی که هنوز تا حد زیادی رفع نشده است به تدریج از مرکز توجهات عمومی محو می‌شود.

بخش دیگری از بحث او این است که اغلب «بحران‌ها» منعکس‌کننده تغییرات در جهان واقع نیستند، بلکه «فعالیت یک چرخه نظام‌مند تشدید توجه افکار عمومی» را منعکس می‌کنند که ریشه در رویدادهای دنیای واقع و ساز و کارهای فعالیت نظام رسانه‌ای دارد. این چرخه معمولاً با یک کشف نگران‌کننده و جوش و خروش پر حرارت ناشی از رویدادهای عالم واقع شروع می‌شود. با گذشت زمان و روشن شدن هزینه‌ها و دشواری‌های مربوط به حل مسأله داونز بین فضای سیاسی و فضای رسانه‌ای، تمییز قائل نمی‌شود، اما این تمییز،

### دو نگاه

چارچوب‌بندی، به معنی انتخاب جنبه‌هایی از یک واقعیت ادراک شده و برجسته‌تر کردن این جنبه‌ها به نحوی است که از یک مسأله تعریف، تفسیر علمی و ارزیابی اخلاقی خاصی ارائه و نیز راه حل متناسب با آن پیشنهاد گردد.

Rees - ۱  
Entman - ۲  
Hall - ۳  
Bennet - ۴

issue-attention cycle - ۵  
Downs - ۶

با یکدیگر دیدار کردند. کمتر از دو هفته بعد از انتشار کاریکاتورها، شبکه الجزیره، با یک روحانی مسلمان دانمارکی مصاحبه‌ای زنده درباره این موضوع انجام داد. در ۱۴ اکتبر، ۲۵۰۰ مسلمان برای اعتراض به انتشار کاریکاتورها در کپنهاگ تجمع کردند.

آنچه واقعاً باعث بین‌المللی شدن موضوع شد، نامه ۱۱ سفیر مسلمان در دانمارک به «اندرس فُک راسموسن»<sup>۸</sup> در ۱۲ اکتبر ۲۰۰۵ بود. آنها در نامه خود بر نگرانی‌شان درباره احساسات در قبال اسلام و مسلمانان در دانمارک تأکید کردند و خواستار جلسه با راسموسن برای بحث درباره این موضوع شدند. در ۲۱ اکتبر، راسموسن ضمن رد درخواست برگزاری جلسه پاسخ داد که دانمارک کشوری مبتنی بر آزادی بیان، آزادی دین و تساهل دینی است. هم‌زمان، روزنامه سعودی «الحیات» و روزنامه فرانسوی لوموند گزارش‌هایی از این ماجرا را چاپ کرده بودند.

در ۲۱ اکتبر، راسموسن، نامه‌ای از دبیر کل سازمان کنفرانس اسلامی دریافت کرد که در آن ضمن انتقاد از انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام، به طور کلی، به گرایش‌های ضد اسلامی در دانمارک نیز اشاره شده بود. او همچنین در نامه‌ای به سازمان امنیت و همکاری اروپا دیدگاه‌هایش را درباره این تحول در دانمارک ابراز کرد. در ۲۵ اکتبر، «عمر ارهان»<sup>۹</sup> نماینده سازمان امنیت و همکاری اروپا در امور مبارزه با تبعیض و ناشکیبایی در قبال مسلمانان اروپا، در نامه به نماینده دانمارک در این سازمان، خواستار اعلام موضوع رسمی دانمارک در قبال موضوع کاریکاتورهای پیامبر و وضعیت مسلمانان در دانمارک شد. ارهان در نامه دیگری به نماینده دانمارک در سازمان امنیت و همکاری اروپا ضمن اشاره به چند گزارش انتقادی درباره وضع مسلمانان در دانمارک، بر سوال‌های خود درباره وضع مسلمانان تأکید کرد. روشن است که در اولین ماه انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام، کشورها و سازمان‌های متعددی درگیر موضوع کاریکاتورها شده بودند. با این حال، همچنان در سطح دیپلماتیک به موضوع پرداخته می‌شد و رسانه‌های کشورهای اسلامی هم توجه چندانی به موضوع نشان نمی‌دادند. در طول هفته‌های بعد، هم کمیسیون عالی سازمان ملل در امور حقوق بشر و هم کمیسیون اتحادیه اروپا در امور عدالت، در این باره اظهارنگرانی کردند. رهبران مسلمان دانمارک نیز به کشورهای اسلامی سفر کردند تا آنها را از وضع دانمارک مطلع کنند، اقداماتی که متعاقباً دولت دانمارک از آنها با عنوان برانگیختن خشم نامتناسب، انتقاد کرد. به اعتقاد «لارسن»<sup>۱۰</sup> و «سیدنفادن»<sup>۱۱</sup> خطاست که بگوییم همه واکنش‌های سه ماه اول پس از انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام در «جیلندس-پستن» شدید بود. روزنامه نروژی «مگزینتت»<sup>۱۲</sup>، کاریکاتورها را در دهم ژانویه منتشر کرد. این رویداد، باعث تشدید واکنش‌های جهان اسلام شد. سازمان کنفرانس اسلامی، کاریکاتورها را محکوم کرد و در ۲۰ ژانویه رهبران دینی عربستان سعودی، محصولات دانمارکی

در مدل «سیاست-رسانه‌ها-سیاست» یا (س ر س) ولفسفلد<sup>۱</sup> اهمیت زیادی دارد. او معتقد است اگرچه سیاست و رسانه‌ها عمیقاً در هم تنیده‌اند، اما رویدادها، کنش‌ها یا تغییرات و تحولات جهان در عرصه سیاست، فعالیت رسانه‌ای را برمی‌انگیزد: رسانه‌های خبری می‌توانند عوامل مهم تشدید تحولات سیاسی در درون یک جامعه خاص باشند اما گفتن این که رسانه‌ها آغازگر تحولات سیاسی هستند با عمده چیزهایی که درباره فعالیت روزنامه‌نگاران می‌دانیم، در تعارض است. از این رو، بر اساس روایت ولفسفلد، خبرسازی، فرایندی کنشی است.

با این حال، انگاره مهم در کار ولفسفلد، مفهوم امواج سیاسی و نحوه ارتباط آن با چرخه توجه داونز است. از دید ولفسفلد، امواج سیاسی عبارتند از:

تغییرات ناگهانی و مهم در فضای سیاسی که افزایش چشمگیر توجه به افکار عمومی به یک موضوع یا رویداد سیاسی را در بردارد. این امواج غالباً همراه با حوادث پر سر و صدایی مانند یک حمله تروریستی، یک جنگ یا انتخابات است.

با این حال، در این مطالعه، از مفهوم «امواج خبری»<sup>۲</sup> به جای «امواج سیاسی» استفاده خواهیم کرد تا نشان دهیم که تمرکز بر فعالیت رسانه‌هاست. هر موج، فضا را برای چارچوب‌سازی نزاع‌ها بین نقش آفرینان سیاسی و رسانه‌ای باز می‌کند. همان‌گونه که میلر<sup>۳</sup> و ریکرت<sup>۴</sup> می‌گویند: فرایند چارچوب‌سازی در طول چند مرحله تکامل پیدا می‌کند که ماهیت اقدامات اقتناعی ذینفعان و آثار آنها، این مراحل را معرفی می‌کنند.

این دو محقق از مفهوم «چرخه چارچوب‌بندی»<sup>۵</sup> برای دلالت بر فرایندی که از مراحل مختلفی تشکیل شده استفاده می‌کنند: مرحله شروع یا بروز، مرحله تعریف/تضاد، مرحله تشدید، مرحله تعادل یا خاتمه. به منظور بررسی ساز و کارهای امواج و فرایندهای چارچوب‌سازی، به بحث انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام در روزنامه‌های دانمارک برمی‌گردیم.

### مناقشه کاریکاتورهای پیامبر اسلام

در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۵، روزنامه دانمارکی «جیلندس-پستن»<sup>۶</sup>، ۱۲ کاریکاتور از پیامبر اسلام منتشر کرد. در یکی از این کاریکاتورها، او به عنوان تروریست به همراه یک بمب‌ترسیم شده بود. در پی انتشار این کاریکاتورها، این روزنامه دانمارکی از ۴۰ کاریکاتوریست دانمارکی دعوت کرد تا کاریکاتورهایی از پیامبر اسلام به تصویر بکشند. به گفته «فلمینگ رز»<sup>۷</sup> دبیر تحریریه فرهنگی روزنامه جیلندس-پستن، به چالش کشیدن آنچه روزنامه ما آن را خود سانسوری در قبال اسلام در دانمارک می‌دید، ضروری به نظر می‌رسید.

بلافاصله پس از انتشار کاریکاتورها، روزنامه تقریباً صد مورد اعتراض از جانب مسلمانان دریافت کرد، در ۲ اکتبر چند سازمان اسلامی دانمارک برای بحث درباره کاریکاتورها

Wolfsfeld - ۱  
news waves - ۲  
Miller - ۳  
Richert - ۴  
framing cycle - ۵  
Jyllands-Posten - ۶  
Flemming Rose - ۷

Anders Fogh Rasmussen - ۸  
Omur Orhun - ۹  
Larsen - ۱۰  
Seidenfaden - ۱۱  
Magazinet - ۱۲

۱۲ دنگاه  
هنگامی که کاخ  
سفید یک رویداد  
یا موضوع را  
باز راه انداختن  
چارچوب رقیب،  
چارچوب‌بندی  
می‌کند. نخبگان،  
روزنامه‌نگاران  
و افکار عمومی  
معمولاً با آن  
چارچوب همراه  
می‌شوند.

ادبیات مربوط به موضوع به طور مختصر شرح داده شده است.

### عوامل تعیین کننده‌ی پوشش اخبار بین‌المللی

مطالعات درباره جریان اطلاعات فراملیتی نشان داده است که میزان پرداختن به اخبار بین‌المللی در رسانه‌های کشورها، مختلف، متفاوت است. در پی تلاش برای تشریح تفاوت‌های میان ملیتی، دو دیدگاه پژوهشی ظهور کرده است:

#### دیدگاه دروازه‌بانی

«وو»<sup>۳</sup> در فراتحلیل خود ۵۵ مطالعه پژوهشی درباره اخبار بین‌المللی را به دو دیدگاه دروازه‌بان و لجستیکی تقسیم می‌کند. مطالعات او نشان داد که ارزش‌های خبری سنتی، ساختار اجتماعی فرهنگی، محدودیت‌های سازمانی و اثر برجسته‌سازی خبرگزاری‌های بین‌المللی، همگی عوامل تعیین‌کننده مهمی در جریان اخبار بین‌المللی هستند. این عوامل، زیرمجموعه دیدگاه به اصطلاح «دروازه‌بانی» قرار می‌گیرند. دیدگاه دروازه‌بانی بر عواملی متمرکز می‌شود که بر فرایند انتخاب موضوعات دارای ارزش خبری تأثیر می‌گذارد. علائق مخاطب مورد نظر، نمونه‌ای است که ذیل این دیدگاه قرار می‌گیرد. تأثیر خبرگزاری‌ها بر اخبار بین‌المللی، نمونه دیگری است. برای مثال مطالعه کاپلان<sup>۴</sup> نشان داد که ظهور آسوشیند پرس و یونایتد پرس در آمریکا منجر به کاهش تنوع در دیدگاه‌های خبری شد.

آهرن<sup>۵</sup> پارادایم دروازه‌بانی سنتی را به عوامل درونی و بیرونی تقسیم کرد: عوامل درونی، بر ویژگی اخبار متمرکز هستند در حالی که عوامل بیرونی به انگیزه‌های اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی یا موانع گزینش خبر می‌پردازند. غیرمنتظره بودن، جنجال‌آفرینی و علائق انسانی به عنوان عوامل تعیین‌کننده ارزش خبری برای پوشش اخبار بین‌المللی شناسایی شده‌اند. مفهوم «نابهنجاری»<sup>۶</sup> به عنوان عامل تعیین‌کننده ارزش خبری پوشش اخبار بین‌المللی، ممکن است به عنوان بخشی از ویژگی‌های درونی رویدادهای خبری بین‌المللی دانسته شود.

#### دیدگاه لجستیکی

رویکرد لجستیکی، شناسایی عوامل جغرافیایی و اجتماعی کلان که به یک رویداد ارزش خبری می‌بخشد را در برمی‌گیرد. یکی از این عوامل، فرهنگی است که بر اساس مطالعات پیشین، روابط استعماری گذشته، رابطه مستقیمی با جریان خبری بین‌المللی دارد. موضوع دیگر منطقه‌گرایی است که اگرچه مشابه مجاورت جغرافیایی است اما مفاهیم تاریخی، استراتژیک و گاهی ایدئولوژیک را در بردارد. دیگر زیر دسته‌ها عبارتند از: روابط سیاسی، منابع ارتباطی و محدودیت‌های ملی.

سواين<sup>۷</sup> در پژوهش درباره عوامل پیش‌بینی‌کننده پوشش خبری در آمریکا و انگلیس در خصوص بحران ایدز در صحرای آفریقا، دریافت که عواملی همچون هزینه‌های نظامی، پژوهشی علمی، تولید ناخالص داخلی، جمعیت و مجاورت، از جمله تأثیر گذارترین عوامل پوشش خبری بین‌المللی ایدز

را تحریم کردند. یک هفته بعد در حالی که تحریم در خاورمیانه رو به گسترش بود، عربستان سعودی، سفارت خود را در دانمارک تعطیل کرد. به سرعت، اعضای سازمان‌های فلسطینی الفتح و گردان‌های شهدا الاقصی از شهروندان دانمارکی خواستند فلسطین را ترک کنند. این اتفاق در هفته آخر ژانویه رخ داد و این اعتراضات باعث زنجیره‌ای از حوادث شد. در طول تظاهرات، سفارتخانه‌های دانمارک در دمشق و بیروت به آتش کشیده شد. در اقدامی متقابل چند روزنامه کاریکاتورها را منتشر کردند و در اواخر فوریه، حداقل ۱۴۳ روزنامه در ۵۶ کشور، همه یا تعدادی از کاریکاتورها را منتشر کرده بودند.

#### شناخت مناقشه: سه چارچوب

لارسن و سیدنفادن معتقدند با سه چارچوب اصلی می‌توان موضوع کاریکاتورهای پیامبر اسلام را درک کرد: دیدگاه نخست، چارچوب «آزادی بیان»<sup>۱</sup> که از ۳۰ سپتامبر تاکنون عمدتاً توسط جیلندس - پستن و دولت دانمارک اشاعه شده است. براساس این چارچوب، مناقشه کاریکاتورهای پیامبر درباره آزادی بیان و مطبوعات بود. هدف از انتشار کاریکاتورها، به چالش کشیدن خودسانسوری روزافزون در دانمارک بود که ریشه در افزایش نگرانی از تنش‌ها در قبال جامعه‌ی مسلمانان داشت. از این رو، باید از این اصل اساسی دموکراسی غرب دفاع می‌شد.

دیدگاه دوم، مبتنی بر انگاره «برخورد تمدن‌ها» بود. از این دید، مناقشه کاریکاتورهای پیامبر اسلام به مثابه بخشی از کشمکش جاری مبتنی بر نظام‌های ارزشی متضاد است که ریشه در فرهنگ‌های ذاتاً متفاوت و نامتجانس دارد. در یک طرف «جهان مسیحی غرب» وجود دارد و در طرف دیگر «جهان اسلام». تقابلات بین آنها اجتناب‌ناپذیر است و اگر بر سر کاریکاتورها تعارض به وجود نمی‌آمد، بر سر چیز دیگری به وجود می‌آمد.

سومین چارچوب محتمل، چارچوب «ناشکیبایی»<sup>۲</sup> است که به نظر می‌رسد لارسن و سیدنفادن از طرفداران این چارچوب هستند. هنگامی که سفرا و دیگر گروه‌ها نخستین بار درباره این موضوع ابراز نگرانی کردند، آنها عمدتاً به وضعیت مسلمانان در دانمارک - به طور کلی - نه صرف موضوع کاریکاتورها] پرداختند. کاریکاتورها تنها به عنوان آخرین نمونه احساسات ضداسلامی در دانمارک تلقی می‌شدند. مسأله صرفاً انتشار کاریکاتورها نبود، بلکه ناشکیبایی در قبال اقلیت مسلمانان، مسأله مهم بود. بنابراین، نگرش‌ها در قبال اقلیت‌ها به طور کلی و مسلمانان به طور خاص، اصل این قضیه بود.

در این بررسی، سه چارچوب را در روزنامه‌های برجسته سوئد و آمریکا تحلیل می‌کنیم تا ببینیم چگونه نقش‌آفرینان مختلف درباره این مناقشه چارچوب‌سازی کردند. نظام‌های سیاسی و رسانه‌ای مختلف و نیز رابطه سیاسی بین دو کشور یاد شده با دانمارک نشان می‌دهد که پوشش موضوع کاریکاتورها احتمالاً در سوئد و آمریکا متفاوت بوده است. ادبیات مربوط به جریان اخبار بین‌المللی، دلایل دیگری را در خصوص تفاوت‌های احتمالی در میزان و نوع پوشش رویدادی واحد در دو کشور نسبتاً متفاوت در اختیار ما می‌گذارد. در ادامه،

#### دو نگاه

رسانه‌های خبری می‌توانند عوامل مهم تشدید تحولات سیاسی در درون یک جامعه خاص باشند اما گفتن این که رسانه‌ها آغازگر تحولات سیاسی هستند با عمده چیزهایی که درباره فعالیت روزنامه‌نگاران می‌دانیم، در تعارض است.

WU - ۳  
Kaplan - ۴  
Ahern - ۵  
Deviance - ۶  
Swain - ۷

Freedom of speech - ۱  
Intolerance - ۲

چارچوب‌سازی در کشورهای مختلف، عوامل درونی و بیرونی مربوط به فرایندهای دروازه‌بانی و عوامل لجستیکی همچون مجاورت جغرافیایی یا قرابت فرهنگی است. مسأله اصلی که در این تحقیق، بررسی شده این است که موضوع انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام، چگونه در روزنامه‌های نخبگان سوئد و آمریکا چارچوب‌بندی شد؟ به طور مشخص، تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سوال‌ها است:

- ۱- چه دلایلی برای انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام و واکنش به انتشار آنها ارائه شد؟
- ۲- روزنامه‌های «داگنز نیتر» و «نیویورک تایمز» چگونه موضوع کاریکاتورهای پیامبر را چارچوب‌بندی کردند؟
- ۳- چه رویدادهایی باعث نقاط اوج و چارچوب‌های مختلف در پوشش اخبار شد؟

#### روش‌شناسی و داده‌ها

این تحقیق از ترکیبی از تحلیل محتوای کمی و کیفی با تمرکز بر داگنز نیتر و نیویورک تایمز استفاده می‌کند. این روزنامه‌ها انتخاب شدند چون آنها برجسته‌ترین روزنامه‌های نخبگان در سوئد و آمریکا هستند. این تحقیق، همه مقالات خبری منتشر شده در فاصله بین اول اکتبر ۲۰۰۵، روز پس از انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام - جیلیندس - پستن، تا ۲۸ فوریه ۲۰۰۶، روز پس از محو اساسی موضوع از اخبار را در بر می‌گیرد.

روش انتخاب دستی برای انتخاب مقالاتی که در بخش اصلی روزنامه منتشر شده بودند و صریحاً به کاریکاتورهای پیامبر اسلام یا رویدادها، مناقشات و سناریوهای دیپلماتیک متعاقب انتشار کاریکاتورها، چه در عناوین و چه پاراگراف‌های برجسته می‌پرداختند، انتخاب شد. واحد تحلیل، مقاله خبری مجزا، صرف نظر از حجم آن بود. برگه کدگذاری که در تحلیل محتوای کمی استفاده شد، چند متغیر داشت. مهمتر از همه این که شامل چند چارچوب از پیش تعریف شده بود که بر مبنای بودن/نبودن کدگذاری طبقه‌بندی شده‌اند. اولین چارچوب توجه، چارچوب تضاد بود (این که در مقاله، بین گروه‌ها یا کنشگران، تضاد وجود دارد) که به عنوان یک چارچوب عام، در نظر گرفته شد تا مطالعه شود که روزنامه‌ها تا چه حد این موضوع را در چارچوب تضاد بین کنشگران مختلف چارچوب‌بندی



هستند. تحقیق او، آنچه را که به عنوان عوامل مهم پیش‌بینی‌کننده پوشش خبری بین‌المللی، شناخته می‌شود یعنی مجاورت فرهنگی (معنوی)، مجاورت جغرافیایی و وضعیت قدرت را به صورت عملی برای نشان دادن تأثیرگذارترین عوامل بکار برد. با این حال، شومیکر و همکاران می‌گویند به هنگام بودن و مجاورت، شرایطی اقتضائی هستند که شاخص‌های مهمی فقط برای قضاوت در خصوص رویدادهای دارای حواشی نابهنجاری یا مهم به شمار می‌روند. در مقابل آنها معتقدند که نابهنجاری را باید به عنوان مهمترین عامل پیش‌بینی‌کننده پوشش رسانه‌ای دانست. نتایج مطالعه آنها نشان می‌دهد که تحول اجتماعی و انحراف هنجاری، فعالیت‌ها و هنجارهای اجتماعی کنونی را به چالش می‌کشند. از این رو، آنها معتقدند که تضادها و جنجال‌ها بیشتر در رسانه‌های خبری به عنوان شکلی از کنترل اجتماعی از طریق افشای یک تهدید احتمالی، پوشش داده می‌شوند. آنها می‌گویند جار و جنجال رسانه‌های جمعی درباره نابهنجاری در کشورهای دیگر، نخستین اقدام در کنترل تغییر تهدیدزا است.

در مجموع، این که چگونه رسانه‌ها در کشورهای مختلف، زنجیره خاصی از رویدادها را پوشش می‌دهند، تحت تأثیر نظام‌های سیاسی و سیستم‌های رسانه‌ای ملی، فرایندهای

دو نگاه  
تأکید بر این که چارچوب‌بندی، یک شیوه ساخت محیط پیرامون است، این انگاره را تقویت می‌کند که رسانه‌های مختلف، تصاویر متفاوتی از واقعیت ارائه می‌کنند.

دو نگاه

**در چارچوب «آزادی بیان» هدف از انتشار کاریکاتورها، به چالش کشیدن خودسانسوری روزافزون در دانمارک بود که ریشه در افزایش نگرانی از تنش‌ها در قبال جامعه‌ی مسلمانان داشت. از این رو، باید از این اصل اساسی دموکراسی غرب دفاع می‌شد.**

کرده‌اند. بعلاوه ما به بودن/ نبودن چارچوب دین (این که مقاله‌ها به جنبه‌های دینی مناقشه کاریکاتورها پرداخته باشند) توجه کردیم. دیگر چارچوب‌های بررسی شده عبارت بودند از: آزادی بیان (این که مقالات به جنبه‌های آزادی بیان یا آزادی مطبوعات مناقشه کاریکاتورها پرداخته باشند)، ارزش‌های دموکراتیک (این که مقالات به ارزش‌های دموکراتیک در خصوص مناقشه کاریکاتورها پرداخته باشند)، اسلام در برابر غرب (این که مقالات به حوادث در پرتو تنش بین دنیای غرب و جهان اسلام یا دیدگاه برخورد تمدن‌ها پرداخته باشند) و ناشکیبایی (این که مقالات به تنش بین مسلمانان، اعراب، دیگر اقلیت‌ها و غربی‌ها یا افراد بومی، به عنوان نشانه‌ای از نبود شکیبایی یا به ضرورت افزایش شکیبایی در قبال دیگر گروه‌ها پرداخته باشند).

همچنین بر گدگذاری شامل متغیری بود که هدف از آن، بررسی لحن کلی مقالات درباره انتشار اولیه کاریکاتورهای پیامبر اسلام بود. کدگذاران می‌توانستند بین لحن‌های مثبت، منفی، ترکیبی/خنثی یکی را انتخاب کنند. لحن مثبت به نظرهایی اشاره دارد که مدافع انتشار کاریکاتورها به عنوان اقدامی مثبت یا ضروری برای جامعه هستند. لحن منفی، به نظرهایی اشاره دارد که انتشار این کاریکاتورها را محکوم یا از انتشار آنها انتقاد می‌کنند. بعلاوه به کدگذاران آموزش داده شده بود تا دلایل احتمالی انتشار کاریکاتورها و نیز دلایل واکنش مسلمان‌ها را که در مقالات ذکر شده بود ثبت کنند. دلایل یا توضیحات ارائه شده در خصوص انتشار کاریکاتورها که کدگذاری شدند، عبارت بودند از «احساسات ضد اسلامی در دانمارک»، «احساسات ضداسلامی در اروپا» و البته انتشار کاریکاتورها به عنوان «راهی برای دفاع از ارزش‌های دموکراتیک». در خصوص دلایل تحلیل شده واکنش‌های مسلمانان، یکی از دلایل «نبود انسجام میان مسلمانان در کشورهای غربی» بود که [از دید مسلمانان] «انتشار کاریکاتورها، اهانت به اسلام و مسلمانان» [در نتیجه عدم انسجام مسلمانان در غرب] بود و برخی نیز استدلال کرده بودند که واکنش‌ها به دلیل «برانگیخته شدن مسلمانان توسط رهبران بنیادگرای مسلمانان» بوده است. همه این موارد بر مبنای بودن/ نبودن آنها در متن مقالات، کدگذاری و انتخاب شدند. بعلاوه، یک تحلیل محتوای کیفی اجرا شد. هدف اصلی این بود که بفهمیم چه چیزی باعث این امواج خبری مختلف شد. با استفاده از تحلیل کمی برای ردیابی این که از کجا امواج خبری شروع شد، این سوال را مطرح کردیم: چه رویدادهایی در عالم واقع باعث افزایش روزافزون توجه رسانه‌ها شده‌اند؟ این کار با مطالعه دقیق آن دسته از مقالاتی که زودتر در آغاز راه افتادن امواج خبری چاپ شده بودند، انجام شد. با مطالعه دقیق توانستیم بفهمیم که چه منابعی در مرحله شروع موج، نقش برجسته‌ای داشتند و چه چارچوب‌هایی را اساس کار خود قرار داده‌اند.

دو کدگذار به طور مستقل در خصوص به کارگیری ابزار کدگذاری، آموزش داده شدند. پس از بازنگری همه تعاریف، یک کدگذار، نمونه‌ی روزنامه سوئدی را کدگذاری کرد و دیگری نمونه آمریکایی را.

نتایج

حاصل انتخاب دستی مقالات در مجموع ۱۴۷ مقاله از داگنز

نیپتر و ۳۸ مورد از نیویورک تایمز بود. تفاوت در میزان پوشش کاریکاتورهای پیامبر اسلام، به خودی خود جالب است و ممکن است به برخی عوامل تعیین‌کننده خبری بین المللی مربوط باشد که پیشتر درباره آنها به اجمال بحث شد. موضوع کاریکاتورهای پیامبر اسلام، نخستین بار در ۱۵ نوامبر ۲۰۰۵ در روزنامه داگنز نیپتر مطرح شد. مقاله بعدی در این باره در ۳۰ دسامبر ۲۰۰۵ در این روزنامه به چاپ رسید. نخستین مقاله در این زمینه، با فاصله زمانی زیادی در ۸ ژانویه ۲۰۰۶ چاپ شد. آخرین مقاله در فاصله زمانی انتخاب شده برای این مطالعه، در ۲۵ فوریه ۲۰۰۶ چاپ شده است. در طول فوریه ۲۰۰۶، در مقایسه با ماه‌های پیش از آن، مناقشه کاریکاتورها بیشتر پوشش داده شده است. براساس این نمودار، روشن است که انتشار خود کاریکاتورها دارای ارزش خبری به شمار نمی‌آید بلکه واکنش‌ها به انتشار این کاریکاتورها دارای ارزش خبری بود. با این حال، هنگامی که روزنامه‌ها به گزارش موضوع می‌پرداختند، تا حدودی به گذشته برمی‌گشتند تا به انتشار اولیه کاریکاتورها بپردازند. همچنین پوشش خبری هم اظهارات مثبت و هم منفی را در بر می‌گرفت. نتایج توجه به لحن کلی روزنامه‌ها در قبال انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام و واکنش‌های متعاقب مسلمانان چه بود؟ جدول ۱ به پاسخ این سوال می‌پردازد.

جدول ۱: دلایل ارائه شده برای انتشار کاریکاتورهای پیامبر اسلام و واکنش‌های مسلمانان به انتشار کاریکاتورها

دلیل دیگر نیپتر (n=۱۴۷)	نیویورک تایمز (n=۳۸)	همه مقالات (n=۱۸۵)	
۸۸٪	۷۹٪	۸۶٪	انتشار کاریکاتورها نتیجه احساسات ضد مسلمانان در دانمارک بود.
۲۷٪	۵۳٪	۳۲٪	انتشار کاریکاتورها، نتیجه احساسات ضد مسلمانان در اروپا بود.
۶۸٪	۴۲٪	۴۸٪	انتشار کاریکاتورها راهی برای دفاع از ارزش‌های دموکراتیک بود.
۲۰٪	۱۰٪	۳٪	واکنش‌ها نتیجه نبود انسجام در میان مسلمانان در کشورهای غربی بود.
۳۱٪	۵۵٪	۳۶٪	واکنش‌ها به دلیل اهانتی بود که مسلمانان به خاطر انتشار کاریکاتورها احساس می‌کردند.
۹۵٪	۱۵٪	۱۰٪	واکنش در نتیجه برانگیخته شدن مسلمانان توسط رهبران بنیادگرای اسلامی بود.

تفاوت معناداری بین میزان ذکر دلیل دفاع از ارزش‌های دموکراتیک یا مشخصاً آزادی بیان و مطبوعات، توسط داگنز نیپتر و نیویورک تایمز مشاهده می‌شود. این دلیل در بیش از ۴۰ درصد از مقالات روزنامه آمریکایی ذکر شده بود که در مقابل این دلیل در کمتر از ده درصد مقالات روزنامه سوئدی قید شده بود. در خصوص دلایل ارائه شده برای واکنش‌ها به انتشار کاریکاتورها، به طور معناداری در روزنامه نیویورک تایمز در مقایسه با داگنز نیپتر گزارش شده بود که این واکنش‌ها نتیجه اهانتی بود که مسلمانان احساس کردند

منتشر شدند. ماه فوریه به چهار هفته تقسیم شد. فراوانی استفاده از هریک از چارچوب‌های بیشتر بکار رفته در طول این دوره یعنی دین، ناشکیبایی و آزادی بیان را محاسبه کردیم تا بفهمیم هریک از این چارچوب‌ها با گذشت زمان در سوئد و آمریکا چه تغییری کرده است.

جدول ۳: چارچوب‌های استفاده شده به وسیله داگنز نیپتر و نیویورک تایمز در طول چهار هفته متوالی (فوریه ۲۰۰۶)

	تضاد		دین	
	د ن	ن ت	د ن	ن ت
هفته ۱	۶۴/۵	۸۱/۸	۵۳/۲	۳۶/۴
هفته ۲	۶۳/۵	۱۰۰/۰	۴۴/۲	۲۵/۰
هفته ۳	۶۶/۷	۶۶/۷	۱۳/۳	۳۳/۳
هفته ۴	۶۰/۰	۸۰/۰	۲۰/۰	۴۰/۰

	ناشکیبایی		آزادی بیان		تعداد مقالات در هفته	
	د ن	ن ت	د ن	ن ت	د ن	ن ت
هفته ۱	۴۵/۲	۲۷/۳	۴۳/۵	۶۳/۶	n=۶۲	n=۱۱
هفته ۲	۴۸/۱	۳۷/۵	۳۸/۵	۵۰	n=۵۲	n=۸
هفته ۳	۳۳/۳	۲۵/۰	۲۶/۷	۵۰/۰	n=۱۵	n=۱۲
هفته ۴	۴۰/۰	۸۰/۰	۴۰/۰	۰/۰	n=۵	n=۵

توجه: به علت کم بودن تعداد مشاهدات، امکان آزمون‌های کاسکووار وجود نداشت.

همان‌گونه که جدول ۳ نشان می‌دهد، چارچوب تضاد در طول هفته اول، برجسته‌ترین چارچوب است. دومین چارچوب کلی بیشتر به کار رفته در روزنامه داگنز نیپتر، دین و در روزنامه نیویورک تایمز آزادی بیان است. این چارچوب، در طول فوریه ۲۰۰۶، در ۶۴ درصد مقالات مربوط به کاریکاتورها بکار رفته است.

چارچوب تضاد در طول هفته دوم، در هر دو روزنامه بیشترین کاربرد را داشت. جالب توجه است که دومین چارچوب غالب در روزنامه آمریکایی در هفته دوم، مشابه هفته اول است در حالی که دومین چارچوب غالب در داگنز نیپتر، چارچوب ناشکیبایی بود که در ۲۵ مقاله از ۵۲ مقاله به کار رفته بود. پوشش مناقشه کاریکاتورها در هفته سوم همچنان در روزنامه نیویورک تایمز در رتبه دوم قرار دارد، در حالی که در روزنامه داگنز نیپتر، پس از چارچوب تضاد، چارچوب ناشکیبایی، دومین چارچوب غالب بود. هفته آخر پوشش در فوریه ۲۰۰۶ به ما روندهای جالبی نشان می‌دهد؛ نخست، تنزل کلی میزان پوشش موضوع کاریکاتورها در هر دو روزنامه که در هریک از آنها تنها پنج مقاله منتشر شده است. دوم این که چارچوب تضاد، همچنان برجسته‌ترین چارچوب است. روزنامه نیویورک تایمز برای اولین بار بر چارچوب ناشکیبایی تاکید می‌کند در حالی که روزنامه سوئدی، همچنان کمی متعادل‌تر به چارچوب بندی می‌پردازد. در مجموع، روشن است که پوشش مقالات مربوط

با انتشار کاریکاتورها به آنها صورت گرفته است. برای پاسخ به سوال دوم، فراوانی استفاده از چارچوب‌های آزادی بیان، ناشکیبایی غرب در برابر اسلام، دین، ارزش‌های دموکراتیک و تضاد را بررسی کردیم. نتایج نشان می‌دهند که چارچوب تضاد، رایج‌ترین بود و در نزدیک به ۷۰ درصد مقالات بکار رفته بود.

به نظر می‌رسد که مناقشه کاریکاتورها، غالباً به مثابه برخوردی دنباله‌دار بین گروه‌های اجتماعی مختلف، پوشش داده می‌شد. این موضوع هم در مقالات نیویورک تایمز و هم داگنز نیپتر به چشم می‌خورد، گرچه در روزنامه آمریکایی برجسته‌تر بود.

داگنز نیپتر (n=۱۴۷)	نیویورک تایمز (n=۳۰)	مجموعه مقالات (n=۱۸۵)	
۶۶/۷	۸۱/۶	۶۹/۷	تضاد
۴۴/۹	۳۱/۶	۴۲/۲	دین
۴۲/۹	۳۶/۸	۴۱/۶	ناشکیبایی
۳۸/۸	۴۷/۷	۴۰/۵	آزادی بیان
۱۰/۲	۲۶/۳	۱۳/۵	غرب در برابر اسلام
۷/۵	۱۰/۵	۸/۱	ارزش‌های دموکراتیک

توجه: جدول درصد مقالاتی را نشان می‌دهد که چارچوب‌های مربوط در آنها وجود داشته است.

نگاهی به فراوانی‌ها نشان می‌دهد که علاوه بر چارچوب تضاد، چارچوب‌های دیگری نیز نسبتاً زیاد به کار رفته‌اند، چارچوب دین (۴۲/۲٪)، چارچوب ناشکیبایی (۴۱/۶٪) و چارچوب آزادی بیان (۳۸/۸٪). ارزش‌های دموکراتیک و غرب در برابر اسلام، چارچوب‌هایی بودند که در کل کمتر به چشم می‌خوردند. همچنین این نکته را بررسی کردیم که آیا بین داگنز نیپتر و نیویورک تایمز در استفاده از شش چارچوب، تفاوت چشمگیری وجود دارد. با استفاده از آمارهای اسکووار، دریافتیم که تفاوت آماری معناداری در استفاده از چارچوب غرب در برابر اسلام وجود دارد. این چارچوب، بیشتر در روزنامه آمریکایی به چشم می‌خورد و کمتر در مقالات روزنامه سوئدی دیده می‌شود. این یافته همچنین نشان می‌دهد که پوشش موضوع کاریکاتورها در روزنامه آمریکایی، قطب‌بندی شده‌تر بود تا روزنامه سوئدی، همان‌گونه که تعداد بیشتر مقالات مبتنی بر چارچوب تضاد در روزنامه آمریکایی، این واقعیت را نشان می‌دهد. با این حال، حتی در روزنامه نیویورک تایمز این چارچوب فقط در حدود یک چهارم میزان پوشش دوره انتخاب به چشم می‌خورد. فراوانی استفاده از چارچوب تضاد به معناداری آماری پهلوی می‌زند (P=۰/۸).

سوال سوم این بود که چگونه فراوانی چارچوب‌ها در طول زمان تغییر یافت. ما برای پاسخ به این سوال، پوشش کاریکاتورها را فقط در طول فوریه ۲۰۰۶ بررسی کردیم چرا که عمده مقالات مربوط به کاریکاتورها در طول این دوره

دو نگاه  
مناقشه  
کاریکاتورها، غالباً  
به مثابه برخوردی  
دنباله‌دار بین  
گروه‌های  
اجتماعی مختلف،  
پوشش داده  
می‌شد. این  
موضوع هم در  
مقالات نیویورک  
تایمز و هم داگنز  
نیپتر به چشم  
می‌خورد.

## دو نگاه

**روشن است که رویداد دارای ارزش خبری، خود انتشار کاریکاتورها نبود، بلکه واکنش‌های مسلمانان در ماه‌های پس از انتشار کاریکاتورها بود. بعلاوه تهدید به واکنش‌های خشونت‌آمیز بود که حائز بیشترین ارزش خبری تلقی می‌شد.**

به کاریکاتورها در طول چهار هفته، تضادمحور بود، مخصوصاً در روزنامه نیویورک تایمز. با این که در بیش از نیمی از مقالات روزنامه سوئدی در هفته اول بحث دین مطرح شده اما موضوع کاریکاتورها در هیچ کدام از روزنامه‌ها با نگاه مبتنی بر چارچوب دین، چارچوب‌بندی نشده است. در حالی که داگنز نیهتر، بیشتر بحث درباره کاریکاتورها را در زمینه و بافت ناشکیبایی مطرح می‌کرد، روزنامه نیویورک تایمز در مقالات خود، این رویداد را با نگاه آزادی بیان مورد پوشش قرار می‌داد تا ناشکیبایی یا دین. چارچوب آزادی بیان، غالباً برای دفاع از انتشار کاریکاتورها یا دلیل عدم اقدام دولت دانمارک علیه تصمیمات سردبیر یک نشریه مستقل استفاده شد.

روشن است که پوشش اخبار موضوع کاریکاتورها در چهار ماه نخست پس از انتشار کاریکاتورها، هم در روزنامه سوئدی و هم در روزنامه آمریکایی بسیار محدود بود. در روزنامه داگنز نیهتر، موج خبری در ۳۱ ژانویه شروع شد و بین دو تا سه ماه طول کشید. با این حال، شاید درست نباشد درباره یک موج خبری در نیویورک تایمز صحبت کنیم چرا که تعداد مقالات بسیار کمتر بود. لازم به ذکر است که افزایش پوشش و پرداختن به این موضوع به طور همزمان و با الگویی مشابه در هر دو روزنامه رخ داده است.

هشدارهای آشکار برخی سازمان‌های فلسطینی در خصوص منافع دانمارکی‌ها، سوئدی‌ها و نروژی‌هایی که از خاورمیانه دیدن یا در کشورهای خاورمیانه کار می‌کردند، «جرقه» ایجاد کننده موج در داگنز نیهتر بود. این رویداد، موضوع را از نگاه سوئد، مربوط‌تر و به لحاظ اجتماعی به این کشور نزدیک‌تر ساخت. در ۳۱ ژانویه، تیتز بزرگی در دو صفحه‌ی این روزنامه درج شد که می‌گفت: نورتون‌ها (اتباع کشورهای شمالی اروپا) پس از هشدارها، مجبور به فرار از غزه شده‌اند. در همان روز، هفت مقاله مربوط به کاریکاتورها منتشر شد. روزنامه نیویورک تایمز در آن روز فقط یک مقاله داشت و هرگز بیش از سه مقاله در یک روز منتشر نکرد. به نظر می‌رسد رویداد محرک روزنامه نیویورک تایمز، تحریم کالاهای دانمارکی در خاورمیانه و اثر اقتصادی آن بود. رویدادها و اعتراضات غزه در پاراگراف آخر مقاله ذکر شده بودند. علی‌رغم این واقعیت که تحریم به وسیله مسلمانان برجسته، رهبری می‌شد، سه منبع اصلی نقل قول شده در مقاله این روزنامه، سخنگوی شرکت دانمارکی «آرلا»، یک رایزن دانمارک و دبیر سرویس فرهنگی روزنامه جیلندس - پُستن دانمارک بودند. رایزن از چارچوب آزادی بیان که پیشتر در مقاله استفاده شده بود، حمایت کرده و گفته بود: ما آزادی مطبوعات داریم و دولت نمی‌تواند در این نوع موضوعات دخالت کند. همچنین چارچوب آزادی بیان در مقاله روز بعد نیویورک تایمز برجسته بود، به طوری که در تیتز آمده بود: همان گونه که مسلمانان به کاریکاتورها اعتراض می‌کنند، دانمارک از آزادی مطبوعات دفاع می‌کند. از نخست‌وزیران دانمارک و نروژ نیز نقل قولهایی شده بود که بر اهمیت آزادی بیان تأکید کرده بودند.

موازنه بین چارچوب ناشکیبایی و چارچوب آزادی بیان، در روزنامه داگنز نیهتر در مقایسه با نیویورک تایمز، در طول هفته اول متوازن‌تر بود. در مقایسه با روزنامه آمریکایی، پیشتر چند مقاله قبل از شروع موج خبری درباره این موضوع در داگنز نیهتر

منتشر شده بود. از این رو تا پایان ژانویه، نقش آفرینان مرتبط متفاوتی در پوشش اخبار مربوط به موضوع، معرفی شده بودند. چند مقاله پیش از شروع موج، شیوه انتقاد رهبران و دولت‌های اسلامی از کاریکاتورها را پوشش دادند. این مقالات تنها از چارچوب ناشکیبایی استفاده نکردند بلکه از چارچوب دین و آزادی بیان نیز بهره گرفتند. چارچوب دین در طول بخش اول پوشش ماجرا که نقش آفرینان مسلمان مورد تمرکز بودند، بسیار رایج بود. چارچوب ناشکیبایی نیز در یک مقاله داگنز نیهتر در اول فوریه به کار رفته بود. این مطلب به دو مصاحبه با دو تن از علمای دانمارک می‌پرداخت. از یکی از آنها به نام امام «فاتح آ» نقل شده بود که به مسلمانان دانمارک توهین شد، سالهاست که به آنها اهانت می‌شود و به نظر می‌رسد که نخست‌وزیر هیچ اهمیتی به موضوع نمی‌دهد. خود خبرنگار داگنز نیهتر در مقاله‌ای تحلیلی و تفسیری که در همان روز منتشر شد تشریح کرد که روزنامه جیلندس - پُستن دانمارک، پیامبر را یک تروریست فریبکار توصیف کرده است و این یک کلیشه اسلام‌هراسانه رایج درباره مسلمانان بود. او همچنین نتیجه گرفته بود که چنانچه با یک یهودی چنین برخوردی می‌شد، این اقدام یهودستیزی نام می‌گرفت.

پس از چند روز از خبررسانی پیوسته درباره تظاهرات و دیدگاه‌های جدید در نقاط مختلف جهان در خصوص این موضوع، مرحله جدی پوشش موضوع در داگنز نیهتر شروع شد. رویداد مهمی که این بار منجر به پوشش گسترده موضوع در روزنامه داگنز نیهتر در پنجم فوریه شد، آتش زدن سفارتخانه‌های دانمارک و نروژ در دمشق بود. عکس‌های شعله‌های آتش و تظاهرکنندگان، صفحه اول و دو صفحه میانی روزنامه را زیر تیتز «سفارتخانه‌های نورتون (کشورهای شمال اروپا) در سوریه در آتش» فرا گرفته بود. روز بعد همین میزان و همین نوع مقالات در داگنز نیهتر منتشر شد اما این بار، حوادثی در بیروت رخ داده بود. با این حال، روزنامه نیویورک تایمز هیچ توجه خاصی به حوادث دمشق نکرد؛ تظاهرات و آتش زدن سفارتخانه‌ها در سوریه، در این روزنامه ذکر شد، اما تنها به صورت خیلی مختصر در یک مقاله درباره چند تظاهرات روی داده در خاورمیانه. نکته جالب این که چارچوب آزادی در هیچ یک از شش مقاله منتشر شده در پنجم فوریه در روزنامه سوئدی به چشم نمی‌خورد، اما چهار بار در تنها مقاله روزنامه آمریکایی ذکر شده بود که هر بار متناسب به یک منبع متفاوت بود. این منابع عبارت بودند از: روزنامه جیلندس - پُستن، اندرس راسموسن (نخست‌وزیر دانمارک) آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان و واتیکان.

## نتیجه‌گیری

یافته‌های ما تفاوت‌ها و مشابهت‌های جالبی را در پوشش موضوع کاریکاتورهای پیامبر اسلام در داگنز نیهتر و نیویورک تایمز نشان می‌دهد؛ نخست روشن است که رویداد دارای ارزش خبری، خود انتشار کاریکاتورها نبود، بلکه واکنش‌های مسلمانان در ماه‌های پس از انتشار کاریکاتورها بود. بعلاوه تهدید به واکنش‌های خشونت‌آمیز بود که حائز بیشترین ارزش خبری تلقی می‌شد که شاید با معیارهای انتخاب خبر، متناسب نداشت. واکنش‌هایی دیپلماتیک در پاییز ۲۰۰۵ صورت



داگنز نیپتر بیشتر از نیویورک تایمز رایج بوده است. علاوه بر تفاوت‌های مربوط به ارزش‌های خبری، شباهت‌هایی نیز در این زمینه بین دو روزنامه مشاهده شد. مهم‌ترین نکته این بود که پوشش اخبار تقریباً در هر دو روزنامه همزمان به اوج خود رسیده است. این نشان می‌دهد که در خصوص انتخاب خبر، هم داگنز نیپتر و هم نیویورک تایمز، مشابه عمل می‌کنند، اگرچه آستانه موضوع برای جلب توجه در نیویورک تایمز بالاتر بوده است. این ما را به مسئله عوامل تعیین‌کننده پوشش خبری بین‌المللی و فرآیندهای چارچوب‌ساز برمی‌گرداند. گر چه این تحقیق فقط با بررسی یک نمونه کوچک انجام شده است اما گزاره‌هایی پیشنهادی را برای بررسی در تحقیقات آتی در اختیار ما قرار می‌دهد؛

■ هر چه یک موضوع بین‌المللی در فاصله‌ای دورتر قرار گیرد، در پوشش خبری بیشتر به منابع دولتی اتکاء می‌شود. در نتیجه، منابع دولتی ممکن است هنگامی که موضوعات بین‌المللی در فاصله‌ای دورتر از کشور (به لحاظ فرهنگی و جغرافیایی) قرار داشته باشند، قدرت بیشتری در فرآیندهای چارچوب‌سازی پیدا کنند.

■ هر چه یک موضوع بین‌المللی، در فاصله دورتری باشد، نکته مهمتر برای رسانه‌های خبری این است که در بردارنده تضادهایی باشد که به راحتی قابل درک باشند و امکان تصویرسازی آنها فراهم باشد. رویدادهای جرقه‌ای ممکن است صرف نظر از اینکه موضوع در مکانی دور از کشور یا نزدیک به کشور رخ می‌دهد، این گونه باشند اما آستانه پوشش در مورد موضوعات دورتر، در سطحی بالاتر قرار دارد؛ از این رو هر چه فاصله مکان وقوع حوادث بیشتر باشد، تضاد، خشونت و فراهم بودن امکان تصویرسازی ضرورت بیشتری پیدا می‌کنند.

■ هنگام چارچوب‌بخشی به حوادث خارجی رسانه‌های خبری اغلب چارچوب‌هایی را انتخاب می‌کنند که با شما (طرحواره)‌های از پیش موجود تناسب داشته باشند و این چارچوبها اغلب چارچوبهایی خواهند بود که به وسیله دولت داخلی [یعنی دولت کشوری که رسانه در آن مستقر است] یا دولت خارجی [یعنی دولت کشوری که موضوعی خبری در آن جریان دارد] ساخته می‌شوند. اگر تضادی بین چارچوب‌سازی دولت داخلی و دولت خارجی وجود داشته باشد، رسانه از چارچوب دولت داخلی تبعیت می‌کند. هنگامی که چارچوبی به وسیله دولت داخلی ساخته نمی‌شود، رسانه تا حد زیادی به دولت خارجی اجازه می‌دهد که به موضوع خبری چارچوب ببخشد.

■ اگر کشوری که رسانه در آن فعالیت می‌کند، به لحاظ جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی با کشوری که درگیر موضوعی بین‌المللی است، مجاورت داشته باشند، این مجاورت به توجه بیشتر در رسانه‌های خبری به آن موضوع می‌شود اما به فرایندی از کشمکشهای چارچوب‌سازی منجر می‌شود که نقش آفرینان داخلی در آن نقش بیشتری ایفا می‌کنند. از طرف دیگر، اگر کشوری که یک رسانه در آن فعالیت می‌کند به لحاظ جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی از کشوری که درگیر یک بحران بین‌المللی است، فاصله داشته باشد، این بحران، توجه کمتری را در رسانه‌های خبری کشور دور به خود جلب می‌کند اما چارچوب‌سازی موضوع، بیشتر تحت تاثیر نقش آفرینان خارجی و بین‌المللی خواهد بود.

گرفت اما این واکنش‌ها اغلب در صفحات روزنامه داگنز نیپتر منعکس نشد و این وضع در روزنامه نیویورک تایمز، شدیدتر بود. از این‌رو، تنش بین دو طرف موضوع - از یک طرف، طرفداران چارچوب آزادی بیان و از طرف دیگر، طرفداران چارچوب ناشکیبایی - باعث تشدید امواج رسانه‌ای شد. احتمالاً این موضوع باعث شد که علمای دانمارک به خاورمیانه سفر کنند تا دیگر مسلمانان را از وضع دانمارک مطلع و حمایت آنها را جلب کنند. بر خلاف مدل ولفسفلد به نظر می‌رسد که ضرورتاً تغییرات در فضای سیاسی، امواج خبری را به راه نمی‌اندازد، حداقل در هنگامی که طرح‌ها و ابتکار عمل‌های سیاسی، مسالمت‌آمیز و دیپلماتیک هستند، نه خشونت‌آمیز و شدید، چنین اتفاقی نمی‌افتد.

هنگامی که موضوع کاریکاتورها سرانجام توجه رسانه‌ها را جلب کرد، روزنامه سوئدی، پوشش بیشتری از این موضوع داشت تا روزنامه آمریکایی. روزنامه داگنز نیپتر، بیش از سه برابر مقالات روزنامه نیویورک تایمز درباره کاریکاتورها مقاله منتشر کرد. علت این موضوع شاید مجاورت جغرافیایی سوئد و دانمارک باشد و اتفاقی غیرمنتظره به شمار نمی‌رود. به طور طبیعی، پس از هشدارهای سازمان‌های فلسطینی، انتشار کاریکاتور به موضوعی جدی در سوئد تبدیل شد.

لحن کلی پوشش موضوع انتشار کاریکاتورها، در روزنامه سوئدی، منفی‌تر از روزنامه آمریکایی بود. هنگامی که به دلایل ذکر شده در روزنامه داگنز نیپتر و نیویورک تایمز برای انتشار کاریکاتورها نگاه می‌کنیم، درمی‌یابیم که نیویورک تایمز به دنبال چارچوب‌بخشی به انتشار کاریکاتورها به عنوان راهی برای دفاع از آزادی مطبوعات بوده است. این نشان می‌دهد که پوشش این موضوع در روزنامه نیویورک تایمز در قبال روزنامه دانمارکی و موضع دولت دانمارک، هوادارانه‌تر بوده است. همچنین تحلیل کیفی نشان می‌دهد که دولت دانمارک بر چارچوب‌بندی موضوع در روزنامه نیویورک تایمز، مؤثرتر بوده تا چارچوب‌بندی موضوع در روزنامه داگنز نیپتر. شاید این نشانه این است که رسانه‌های خبری، هنگامی که یک موضوع به لحاظ جغرافیایی از کشورشان دور است، تمایل بیشتری به اتکاء به منابع رسمی پیدا می‌کنند تا زمانی که به کشورشان نزدیک باشد. همچنین کم‌رنگ‌تر بودن دیدگاه‌های مقامات دانمارکی به عنوان منبع خبر در روزنامه سوئدی در مقایسه با نیویورک تایمز شاید به دلیل روابط مختلف بین دولت دانمارک با دولت‌های آمریکا و سوئد باشد. در خصوص رابطه بین دولت دانمارک و دولت آمریکا لازم به ذکر است که دولت دانمارک، حامی مواضع آمریکا بوده است؛ برای مثال در جنگ عراق، دانمارک نیروهای خود را همراه با هم‌پیمانان آمریکا به عراق اعزام کرد. رابطه بین دولت‌های دانمارک و سوئد تا حدودی با تنش همراه بوده است؛ چرا که سوئد از یک دولت راست‌گرا برخوردار بوده که متکی بر دیدگاه‌های حزبی راست‌گرا و بیگانه‌ستیز پارلمان این کشور بوده است. در عین حال سوئد در دوره‌هایی تحت حاکمیت دولتی سوسیال‌دموکرات و پارلمانی طرفدار ضرورت مبارزه با نژادپرستی یا بیگانه‌ستیزی بوده است. نتایج نشان می‌دهد که چارچوب آزادی بیان، در کل و در سه هفته اول پوشش اخبار در فوریه در نیویورک تایمز بیشتر از داگنز نیپتر رایج بوده است. همچنین چارچوب ناشکیبایی در همین دوره در روزنامه